

Mesoamerica and Aztec

مزوآمریکا شامل نواحی مرکزی مکزیک و آمریکا جنوبی گفته می‌شود که در آن، تمدن‌های مایا، المک و آزتک ظهور کردند. بر اساس شکل ۱، دوره‌های زمانی در مزوآمریکا به سه دسته اصلی پیشاکلاسیک، کلاسیک، و پساکلاسیک تقسیم می‌شوند. دوره‌ی پساکلاسیک نیز به دو قسمت پساکلاسیک نزدیک و دور تقسیم می‌شود. در دوره‌ی پساکلاسیک دور شاهد ظهور و سقوط تمدن آزتک هستیم. این تمدن بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۵۲۱ پس از میلاد در قدرت بود و پایتخت‌شان Tenochtitlan می‌باشد که در دره‌ی مکزیک واقع است.



شکل ۱- تصویر بازسازی شده از تمدن آزتک

این تمدن دارای یک رهبر اصلی یا tlatoani بوده و همچنین دارای طبقات اجتماعی مختلف مانند نخبگان، عامه یا macehualtin مانند صنعتگران و کشاورزان و در نهایت طبقه بردگان بوده است. تفکرات مذهبی در این تمدن به شکل چند خدایی با اعتقاد به سیکل خلق و نابودی از طریق قربانی انسانی بوده و خدایانی نظیر Tlaloc و Huitzilopochtli را می‌پرستیدند.

این تمدن از تکنیک های پیشرفته در کشاورزی نظیر سیستم آبیاری، زمین های مرتفع و سیستم چرخش محصولات، سیستم نوشتاری و تقویم نجومی دقیق، در کنار تجارت بسیار قوی بهره می برد. تاجران یا *pochteca* در آزتک مواد زیادی نظیر فلزات و پر و کاکائو تجارت می کردند. بسیاری از محصولات در این تمدن در خانه ها تولید شده و مشاغل به صورت نسلی دست به دست می شدند. با این حال، تمدن آزتک دارای تعدادی صنعتگر نخبه بود که به سبب گسترش کشاورزی و تولید مازاد، به صورت تخصصی شغل خود را دنبال می کردند. *Specialization* یا تخصص گرایی در این تمدن پر رنگ بود، چرا که نیاز نبود همه مردم کشاورز باشند و حرفه ها بر اساس مهارت افراد، تخصصی می شدند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هر تمدن و آشنایی بیشتر با هر کدام، روی نام تمدن کلیک کنید:

[تمدن المک](#)، [تمدن مایا](#)، [تمدن آزتک](#)، [تمدن تئوتیهواکان](#)، [تمدن تولتک](#)

Period	Dates	Cultures
Archaic Period	c. 3500—1500 B.C.E.	
Pre-Classic Period (or Formative Period)	c. 1800 B.C.E.—250 C.E.	Olmec, Teotihuacan, <u>Tlatilco</u> , Maya, <u>Zapotec</u>
Classic Period	c. 150—650 C.E.	Teotihuacan, Maya
<u>Epiclassic</u> Period	c. 650—900 C.E.	Maya, Toltec
<u>Postclassic</u> Period	c. 900—1519 C.E.	Toltec, Aztec (Mexico), Mixtec, Maya

شکل ۲- دوره های زمانی مزوآمریکا

New World and Old

پس از اکتشاف تصادفی قاره آمریکا توسط کریستف کلمب، دو اصطلاح جهان قدیم و جدید برای تفکیک جغرافیا و فرهنگ دو قسمت مختلف از کره زمین مطرح شد. جهان قدیم شامل اروپا، آسیا و آفریقا بوده و جهان جدید شامل آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی می باشد.

Karst topography

نقشه برداری کارست نوعی از تعیین مشخصات و نقشه برداری از یک نقطه جغرافیایی با استفاده از سنگ های محلول مانند سنگ آهک در نقاطی مانند غارها و سیستم های زیرزمینی می باشد. با بررسی موقعیت جغرافیایی و ویژگی های زمین شناسی و هیدرولوژیک نقاط جغرافیایی اطلاعات زیادی در مورد چالش هایی که تمدن های اولیه داشتند در اختیار محققان قرار می گیرد.

Geographical Determinism

شرایط خاص جغرافیایی و زیست محیطی مربوط به محل تولد و سکونت یک قبیله/جمعیت انسان ها، از جمله شرایط آب و هوایی، دما و رطوبت، میزان خاک حاصلخیز و آب فراوان، میزان منابع با ارزش در دسترس و غیره مفهوم جبر جغرافیایی را ایجاد می کنند. جبر جغرافیایی سبب می شود بر اساس ویژگی های نام برده و چالش های موجود، افراد یک منطقه ای خاص استراتژی متفاوتی برای گذران زندگی داشته باشند. به طور مثال گفته می شود که کشاورزی برای اولین بار در مناطقی مانند بین النهرین انجام شد که از نظر انبوه و فراوانی گونه های جانوری و میوه ها منابع ناچیزی داشتند. به این معنا که نبود این منابع سبب اجبار مردم این ناحیه به دست کشیدن از سیستم جمع آوری/شکار یا Hunting-Gathering و اتخاذ روش جدید برای تهیه غذا شد.

Social Stratification

طبقه بندی اجتماعی در طی زیست انسان دچار تغییر فراوان شده اند. سیستم و ساختار قدرت در سال های قدیم به شکل ارباب رعیتی یا Feudalism بود، بدین شکل که دسته ای از اشراف زاده ها و پادشاهان و افراد نجیب زاده در درجه ای بالاتری نسبت به مردم عادی بودند و از اختیارات بیشتری نسبت به مردم عادی که عموماً کشاورز یا کارگر بودند برخوردار بودند. با شروع انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی، و همچنین عصر روشنگری فرانسه، مفاهیمی مانند آزادی و دموکراسی مطرح شد که سبب حذف طبقات اجتماعی و تبدیل افراد به شهروند شد.

Social complexity

با پایان دوره ی شکار-جمع آوری و رونق گرفتن کشاورزی، مفهومی به نام مازاد (Surplus)، یعنی میزان غذای بیشتر از نیاز مصرف، تعریف شد. ایجاد مازاد سبب رونق گرفتن تبادل کالا به کالا بین کشاورزان و گروه های دیگر و رشد جمعیت و گسترده شدن تراکم جمعیت شد. در نتیجه پیچیدگی اجتماعی منجر به تشکیل جمعیت های بسیار بیشتر شد و دیگر امکان نقل مکان به صورت دائم بین نقاط مختلف نبود. در نتیجه، شیوه ی سکونت دائم یا

Sedentarism شکل گرفت. به مرور زمان، نیاز به یک قوه‌ی نیرومند و با ثبات جهت مدیریت و نظم دهی به مازاد و جلوگیری از مشکلات و آسیب های اجتماعی احساس شد که خود زمینه ساز شکل گیری حکومت، ارتش، نوشتار، کلیسا و ... شد.

Emic vs. Etic Approach

رویکرد های درونی و بیرونی دو رویکرد مطالعاتی در انسان شناسی هستند که برای درک رفتار های یک جمعیت و تحلیل آن ها کمک کننده اند.

- در رویکرد درونی: مفاهیم و ارزش های یک اجتماع از دیدگاه مردم درون آن اجتماع تعریف و بررسی می شود، که خود کمک شایانی به درک بهتر از برداشت مردم جامعه از مفهوم است.
- دیدگاه بیرونی دیدگاهی است که به پژوهشگر امکان بررسی و تحلیل رفتارها و ارزش ها از نگاه خود پژوهشگر را می دهد.

با توجه به اینکه در عمده ی موارد، پژوهشگر و جامعه آماری از دو فرهنگ کاملاً متفاوت با ارزش ها و ساختار های متفاوت هستند، ترکیب دو رویکرد درونی و بیرونی کمک زیادی به درک مفاهیم هدف و تحلیل و ارزیابی آن ها دارد.

برای آشنایی بیشتر با این دو رویکرد، تماشای [این ویدیو](#) توصیه می شود.